

امر به معروف و نهی از منکر از نگاه قرآن کریم و نهج البلاغه

علی رحمتی

چکیده

از مجموعه آیات قرآن کریم و فرمایشات حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه دریافت می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین و شریف‌ترین واجبات الهی می‌باشد و تمام فرایض دینی به سبب امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌گردد. وجوب امر به معروف و نهی از منکر از ضروریات دین است، و ترک آن موجب غضب الهی، از بین رفتن برکت و مستجاب نشدن دعا را فراهم می‌آورد. بنابراین باید مراتب آن را به طور کامل یاد گرفت و به صورت دلسوزانه با قصد قربت و ایمان قوی و راسخ برای جلب رضایت خداوند متعال اقدام نمود و از هر گونه عمل وسوسه انگیز و برتری‌جویی بر حذر بود تا بستر اجرای دستورات الهی و رسالت پیامبران و مؤمنان فراهم شود و شکاف و غفلت ایجاد شده در مورد این امر مهم از بی‌مهری و کم‌لطفی‌ها مرتفع گردد.

بنابراین فلسفه امر به معروف، اصلاح جامعه و توده‌های ناآگاه و سوق دادن آن‌ها به راه رستگاری و سعادت و سلامت دنیا و آخرت انسان‌ها و همچنین تقویت ایمان، صبر و شکیبایی در راه خداست و نهی از منکر برای بازداشتن بی‌خردان از زشتی‌ها، پلیدی‌ها، کارهای ناپسند و جلوگیری از ارتکاب معاصی می‌باشد؛ در مقایسه امر به معروف و نهی از منکر با دیگر اعمال نیک، حتی جهاد در راه خدا، مثل فطره در مقابل دریاست.

کلید واژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر و عمل صالح.

مقدمه

آیا مسلمانی می تواند نظاره گر منکرات و گسترش مفسد اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... باشد و سپس آرام بنشیند. گناه، گناه است و منکر، منکر! چه در سطح بین المللی، استعمارگران، گردن کشان و زورگویان جهان باشد و چه مردم کوچه و بازار. غفلت و بی تفاوتی از ضروریات دین و سکوت در برابر منکر و گناه با هر توجیه و تفسیری و که انجام پذیرد به ضرر و زیان آحاد جامعه و بشریت است. اصولاً انسان نمی تواند نسبت به حوادث و مسائل جاری پیرامون خویش بی تفاوت و غافل باشد. مرگ افراد روزی فرا می رسد که تحت تأثیر بیم، امید، ترس و طمع نسبت به انحرافات اخلاقی، تربیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی و ... سکوت کرده اند و در عرصه تکلیف و تعهد، لب فرو بندند.

جوامع روزی حیات بالنده و تکامل خود را از دست می دهد، که عاقبت طلبی، انزواگزینی، بی تفاوتی و فرار از مسئولیت، جایگزین فرهنگ نقد، اصلاح، تذکر و روحیه انتقاد پذیری شود و در یک کلام، فریضه امر به معروف و نهی از منکر تعطیل گردد. امیر سخن حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) محور خاندان ولایت و امامت عنصر مجسم معروف، کسانی را که در برابر منکرات غفلت و بی تفاوتی از خود نشان می دهند را مَبِیْتُ الْأَحْيَاء (مردگان زنده نما) می نامند و آنان را فاقد ایمان معرفی می کنند. با توجه به این که امر به معروف و نهی از منکر یکی از دستورات مهم خداوند متعال، رسالت پیامبران الهی، امتیازات امت اسلامی و برترین نیکی، حتی بالاتر از جهاد در راه خدا می باشد، موجب فلاح و رستگاری جامعه اسلامی می گردد. از پیامبر اکرم

صلی ... علیه و آله و سلم) روایت شده است که باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه ستمگری بر شما مسلط می شود که بر پیر و جوان رحم نمی کند و دعای صالحان مستجاب نمی شود و از خدا کمک می طلبند و خدا کمک نمی کند، حتی توبه شان را نمی پذیرد.

در نتیجه اصلاح جامعه بشری بدون ایمان به خدا و مبارزه با فساد و نظارت عمومی مسلمانان بر اعمال جامعه امکان پذیر نخواهد بود، تا آنجا که خداوند در قرآن کریم می فرماید: {یکدیگر را به رعایت حق و مقاومت برای حفظ ایمان و عمل صالح توصیه کنید. چنین جامعه ای هرگز از درون پوسیده نمی شود و تهاجم فرهنگی نیز کاری از پیش نمی برد، زیرا خطر وقتی جبران ناپذیر است که جامعه اسلامی از درون آسیب ببیند و باید دانست که جامعه با منحرف شدن علمای دین و آمران به معروف و ناهیان از منکر آسیب پذیر خواهد شد.}

تعریف امر به معروف و نهی از منکر

«امر» به معنای فرمان دادن و «معروف» در لغت به معنای شناخته شده، مشهور و نیز به معنای نیکی و کار نیک می باشد. معروف در اینجا، اسم برای هر کاری است که (خوبی آن) به واسطه عقل یا شرع شناخته شده باشد، مانند واجبات الهی همچون نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد و ... نیز وظایف اخلاقی مانند صداقت، عدالت، احسان، اعتدال، امانت داری، انفاق، ایثار، تقوا، تواضع، زهد، عفت، عفو و گذشت، وفای به عهد و ...

«نهی» یعنی بازداشتن، منع کردن و «منکر» یعنی کار زشت، نامشروع، ناپسند، ناشایسته و بد. (فرهنگ فارسی عمید، ص ۲۳۳)

نهی به معنای خودداری و یا بازداشتن از کارهای منکر چه این نهی به قول باشد و یا به فعل امر که مثلاً در قرآن آیه ۴۰ سوره نازعات { وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ } که مراد دفع شهوت نفس است از فعل حرام و انجام نهی قولی اعم از آن است که به فظ امری باشد مثل آیه ۳۵ سوره بقره { وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ } که امری می‌شود که به این درخت نزدیک نشوید (قاموس قرآن، ج ۷، ص ۱۱۶)

منظور از منکر هر کاری است که شرع و عقل صحیح، به زشتی آن حکم می‌کند. در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات «معروف» و به تمام محرمات و مکروهات «منکر» گفته می‌شود. بنابراین واداشتن افراد جامعه و انجام کارهای واجب و مستحب «امر به معروف» و بازداشتن آنها از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» است. امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است که اگر به قدر کفایت به انجام آن اقدام کنند از دیگران ساقط می‌شود و اگر همه کس آن را ترک کرده باشند، چنانچه شرایط آن موجود باشد، همه آنها ترک واجب کرده‌اند.

بنابراین جبهه و صحنه نبرد امروز پررنگ‌تر از دیروز است و هر روز به رنگ دیگر می‌شود، با سرعت بسیار بالا تغییر می‌کند، هوشمند آن است که فرزندان زمان خود باشد، شرایط مکان و زمان را خوب درک کند، همان‌طور که اسلام ناب خواسته است و مصلحت امت اسلام می‌باشد آن‌گونه تصمیم بگیرید و عمل کنید. شناخت زمان و

مکان مختص فقیه و مجتهد نیست، بلکه هر مؤمن تکلیف گرا می‌بایست شرایط خودش را درک کند و به اقتضای آن عمل نماید، امروز دشمن از شکست جبهه حق، عاجز مانده و تمام ابزاری که به میدان آورده کارآیی نداشته است و ناتوان از رویارویی با اسلام و مؤمنین است و به این نتیجه رسیده که تنها راه پیشروی‌اش در این جبهه، از بین بردن ایمان و تسلط بر افکار، عقاید و قلب‌ها است.

این موضوع را معمار بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی (ره) از ابتدای انقلاب فرمودند. مادامی که ما ایمان داریم هیچ قدرتی و هیچ سلاحی بر ما غلبه نخواهد کرد، دشمن فکر کرد که این شعار است و از تمام سلاح‌های خودش استفاده نمود و در همه جبهه‌ها و عرصه‌های (سیاسی، اقتصادی، نظامی و ...) شکست خورد و نبرد اصلی را شروع کرد که آن جنگ همان از بین بردن ایمان‌ها است، مهم‌ترین امری که در این جنگ نرم و بزرگترین عملیات دفاعی مؤمنین در جبهه، ایمان و امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

در هشت سال دفاع مقدس، هدف اصلی آزادسازی سرزمین و شهرهای اشغال شده بود. اما در این جنگ و نبرد، هدف آزادسازی جوانان و نوجوانان می‌باشد، انسانی که دلش، فکرش، روح و روانش و ... در تسخیر دشمن در آمده و اسیر شده، باید این اسیران را آزاد کنیم؛ اینها همان سرزمین و شهرهای اشغال شده ۸ سال دفاع مقدس ما هستند که امر به معروف و نهی از منکر علاج و درمان این امر مهم است، سرنوشت ما را در این نبرد نرم، امر به معروف و نهی از منکر تعیین می‌کند، اگر این امر الهی کنار گذاشته شود جامعه به سمت نابودی خواهد رفت و تسلیم زورگویان و ستمگران غاصب

خواهد شد و آن اتفاقی که در هشت سال دفاع مقدس با اسلحه و جنگ سخت به وقوع پیوست، در اینجا با یک حرکت بی صدا، پنهان و خانمان سوز به نتیجه می‌رسد. با این وجود بایستی این فریضه الهی را اجرایی کرد، هرچند که با دو مشکل اساسی روبه‌رو می‌باشد:

اول) اصل کار امر به معروف و نهی از منکر که امروزه به آن کم‌توجهی می‌شود، باید آن را به جریان انداخت.

دوم) دیدگاه‌های غلطی که راجع به این موضوع وجود داشته و شکل یافته است و آن را به سمت خشونت برده بایستی با عمل به دستورات الهی اصلاح گردد.

همان‌طور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: آن چیزی که بر عموم مسلمانان واجب است امر به معروف و نهی از منکر، زبانی است که ارزش‌ها را زنده نگه می‌دارد و با زبان نرم می‌توان اغلب مردم را نصیحت و ارشاد کرد، زبان نرم مؤثرترین راه است، کم‌یا زیاد، وقتی که می‌گوییم امر به معروف و نهی از منکر یک فریضه عمومی است باید جوری باشد که همه بتوانند آن را انجام دهند (مثل نماز) و حتماً نباید وسایل خاصی در دست فرد باشد و نباید آن را مختص به فردی بدانیم که زور دارد و یا تفنگ در دست دارد و با استفاده از قوه قهریه باشد. فرعون که بدترین منکر را انجام داد، و ادعای خدایی می‌کرد، خداوند به حضرت موسی فرمود، به سوی او برو و با او با زبان نرم صحبت کند. بر این اساس با بررسی اجمالی معنی و مفهوم آیات مربوطه به اهمیت این دو فریضه الهی پی خواهیم برد.

امر به معروف و نهی از منکر از نگاه قرآن کریم

الف) آیات مربوط به امر به معروف

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

«عفو را پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از نادان‌ها رخ برتاب.» (سوره اعراف آیه

(۱۹۹)

پیام آیه: در این آیه خداوند پیامبر را به سه چیز فرمان می‌دهد: نخست این که عفو، بخشش، آسان‌گیری را پیشه خود ساز، چون عفو و گذشت از صفات کریهانه انسانی است. دوم این که به نیکی امر کن، کسی که دیگران را به نیکی‌ها دعوت می‌کند خود اهل نیکی است. سوم این که از افراد نادان دوری کن، وقتی سخن اتان در جاهل اثر نکرد، راهش این است که با کرامت و بدون پرخاش او را به خودش واگذاری و از او دور شوی. (همان، ج ۹، ص ۷۷)

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَنَ اللَّهُ وَمَا أَنَا

مِنَ الْمُشْرِكِينَ

«بگو: این راه من است. من و پیروانم از روی بصیرت [مردم را] به سوی خدا دعوت می‌کنیم، و خدا پاک و منزّه است و من از مشرکان نیستم.» (سوره یوسف آیه

(۱۰۸)

پیام آیه: در این آیه به پیامبر دستور می‌دهد که به قوم خود بگو من و پیروانم از روی بصیرت، مردم را به خدا دعوت کنیم. شما در زمین بگردید و سرنوشت مخالفان را

بنگرید. آن‌ها آنقدر به پیامبران ستیزه کردند که آن‌ها از ایمان آوردن امت مأیوس شدند که ناگهان نصرت‌ها سر رسید، پاکان را نجات دادیم و مجرمان را هلاک نمودیم. این آیه نشان می‌دهد، هر مسلمانی که پیرو پیامبر اسلام است، تکلیف دارد به نوبه خود دیگران را با عمل و زبان سوی خدا دعوت می‌کند و لازمه آن داشتن اطلاعات و بصیرت از دین و قرآن است، زیرا جاهل نمی‌تواند داعی الی ... باشد و دعوتش به سوی حق نخواهد بود، به طوری که گفته‌اند، آمر به معروف باید معروف و منکر را شناخته باشد. (همان، ج ۳، صص ۹۴ و ۹۵)

أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ

«به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته است. و با او سخنی نرم گوید، شاید پند گیرد یا بترسد.» (سوره طه آیه ۴۴ و ۴۳)

پیام آیه: یکی از سخت‌ترین کارهای حضرت موسی علیه السلام اعزام او برای دعوت جلاد خود کامه قدرتمند زمان، فرعون است. این آیات، خاطر نشان می‌سازد که خدا فرمود: سراغ این طاغی بروید و با نرمی، او را به صلاح و اصلاح دعوت کنید و بدانید که من همراه شما و حامی شما هستم و به او بگویید ما فرستادگان خدائیم، تو بنی اسرائیل را آزاد کن و شکنجه مده. (همان، ج ۱۶، ص ۲۰۱)

ب) آیات مربوط به نهی از منکر

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَجْنَبْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا
الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

«و چون پندی را که به ایشان داده شده بود از یاد بردند، ما نهی کنندگان از منکر را نجات دادیم و ستمکاران را به عذاب بدی گرفتار نمودیم، چرا که نافرمانی می کردند.»
(سوره اعراف آیه ۱۶۵)

پیام آیه: خداوند در این آیه می فرماید: چون آن گروه نافرمان تذکراتی را که به آنها داده می شد به فراموشی سپردند، عذاب الهی بر آنها فرود آمد، اکثر مفسرین این نظر را دارند که بنی اسرائیل سه گروه بودند، گروه اول: مخالف امر کردند و به عذاب دچار شدند، گروه دوم: اطاعت امر کرده و آنها را از این منکر بازداشتند و خدا آنها را نجات داد، گروه سوم: بی طرف بودند، نه مخالف و نه موافق بودند که این ها هم دچار عذاب الهی شدند و مسخ گردیدند. (همان، ج ۹، ص ۱۲۲)

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

«که نماز آدمی را از زشتکاری و ناشایست باز می دارد.» (سوره عنکبوت آیه ۴۵)
پیام آیه: البته نماز برای ترک معاصی، علت تامه نیست که هر کس نماز خواند نتواند گناه کند، بلکه منظور این است که اقتضای نماز ترک معاصی است.

نماز عقد قرارداد مهمی است که میان انسان و خدا بسته می شود. انسان وقتی در حال ارتباط با خدا است، می گوید من تعهد می دهم که فقط تو را بندگی کنم «ایاک نعبد» و

نمی‌تواند بندگی هوای نفس انسان‌های دیگر کند. او وقتی که می‌گوید «نعبده» و به صورت جمع هم می‌گوید، یعنی قول می‌دهم که من و دو دست من، من و پاها و چشم و گوش من، من و زبان من، همگی با هم در عبودیت توهستیم که هیچ خلافتی از ما نخواهی دید. از این رو یک نماز واقعی می‌تواند انسان را بنده صالح و معصوم خداوند گرداند.

رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرمایند: کسی که از پیام‌های نماز اطاعت نکند، نماز ندارد. اطاعت از نماز آن است که نهی آنرا درباره فحشا و منکر بپذیرد و باز ایستد. (همان، ج ۲۰، ص ۲۴۹)

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ
عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ
وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

«و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، پیش تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر داشته است که هر کس از شما به نادانی کار بدی انجام دهد و پس از آن توبه کند و اصلاح کند، [بداند که] خدا مسلماً آمرزنده و مهربان است.» (سوره انعام آیه ۵۴)

پیام آیه: کسانی را که به یاد خدا عمرشان را می‌گذرانند از خود دور مکن و مران. وقتی آن‌ها نزد تو می‌آیند مقدمشان را گرامی دار و سلامشان کن و از رحمت واسعه خدا و توبه پذیری او بر آن‌ها تعریف کن.

پیامبر اکرم صلی ... علیه و آله و سلم بسیار فرموده‌اند: خدا، مرا تربیت نمود و چه نیکو تربیت کرد. چه کسی تأدیش از تأدیب خالق زمین و آسمان‌ها بهتر است. پس خداوند این نفس زکیه را ادب کرد تا اهلیت کامل برای رسالت پیدا کند. (همان، ج ۷، ص ۲۲۸)

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

«و چون کسانی را ببینی که در آیات ما [به سوءنیت] پرگویی می‌کنند، از آنان روی برتاب تا به سخنی غیر از آن پردازند، و اگر شیطان [آن را] از یاد تو برد، بعد از آن که متذکر شدی با قوم ستمکار منشین.» (سوره انعام آیه ۶۸)

پیام آیه: خداوند به مسلمانان دستور داده است که در مجالسی که به اسلام و قرآن توهین می‌شود و برای آنان امکان ارشاد و دفاع وجود ندارد، آن‌جا را ترک کنند. (همان، ج ۷، ص ۲۴۳)

حدیث از پیامبر اکرم صلی ... علیه و آله و سلم بسیار فرموده‌اند: کسی که به خدا و معاد ایمان دارد در مجلسی ننشیند که در آن به امام ناسزا گفته می‌شود.

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ
كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ

«و کسانی را که غیر خدا را می خوانند، دشنام ندهید که از سر دشمنی و نادانی، خداوند را دشنام دهند. بدین سان برای هر امتی عملشان را بیاراستیم، سپس باز گشت آنها به سوی پروردگارشان است و ایشان را از آنچه انجام می دادند آگاه خواهد ساخت.» (سوره انعام آیه ۱۰۸)

پیام آیه: خداوند در این آیه مبارکه خاطر نشان می کند که جهت حفظ حریم الهی، مبادا به معبودها و عقاید صاحبان ادیان باطله دشنام دهید و آنها با شما مقابله به مثل کنند.

حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: که مؤمنان معبودهای مشرکان را ناسزا گفتند و آنها نیز معبود مؤمنان را، لذا خداوند مؤمنان را از دشنام معبودهای مشرکان منع کرد.

علی ابن ابیطالب علیه السلام می فرماید: امام علی علیه السلام به جمعی از یارانش که پیروان معاویه را در جنگ صفین دشنام می دادند می فرماید: من خوش ندارم که شما فحاش باشید، اگر شما به جای دشنام، اعمال آنها را برشمارید و روی اعمال آنها تجزیه و تحلیل کنید، به حق و ثواب نزدیکتر است و برای اتمام حجت بهتر است.

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

«کسانی که دوست دارند زشتکاری در حق مؤمنان شایع شود، برای آن‌ها در دنیا و آخرت عذابی پردرد خواهد، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.» (سوره نور آیه ۱۹)

پیام آیه: این آیه در بزرگی گناه می‌گوید: حتی کسانی که نشر شدن فحشا را دوست دارند معذبشان خواهیم کرد و بعد به مؤمنان تاکید می‌کند که این کارها از خط و خطوط شیطان است، از آن پیروی نکنید.

امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرمایند: آن کس که گناه را نشر دهد مطرود است و آن که پنهان دارد مشمول آمرزش الهی است. (همان، ج ۱۸، صص ۱۴۹ و ۱۵۰)

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوتَ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ
خُطُوتَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید، و هر کس پیروی گام‌های شیطان کند، [بداند که] او قطعاً به فحشا و منکر امر می‌کند. و اگر فضل خدا و

رحمتش بر شما نبود، هرگز کسی از شما پاک نمی‌شد، ولی خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند، و خدا شنوا و داناست.» (سوره نور آیه ۲۱)

پیام آیه: شیطان به عنوان عامل بیرونی، گمراهی انسان را به تدریج و به صورت خزنده به گناهان وادار می‌کند و به این دلیل گناه برای انسان جلوه می‌کند. خداوند در قرآن فرموده، از گام‌های شیطان پیروی نکنید. یعنی او گام به گام شما را به سوی هدف خود پیش می‌برد، کار از اینجا شروع می‌شود که اول انسان، معصیت گناهکاران را توجه می‌کند که مثلاً محیط آن‌ها خراب است. سپس با اهل معصیت رفت و آمد کرده، گناهان کوچک را مرتکب می‌شود و سپس به کیره‌ها نیز راه پیدا می‌کند و آن را آسان می‌شمارد. (همان، ص ۱۵۳)

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَجَيْنَا مِنْهُمْ^۱ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ

«از چه رو در میان نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین نهی کنند [تا گرفتار عذاب نشوند؟] جز اندکی از کسانی از آنها که نجاتشان دادیم (پيامبران و پيروانشان). و کسانی که ستم کردند، [طبعاً] به دنبال رفاه و خوشگذرانی رفتند و اهل گناه بودند.» (سوره هود آیه ۱۱۶)

پیام آیه: خداوند در این آیه یک اصل مهم اجتماعی و دینی را که صلاح و فساد جوامع به آن بستگی دارد را خاطرنشان می‌سازد، و آن این است که در جامعه نا

زمانی که عالمان ربانی آن با مفساد اجتماعی مبارزه می کنند آن جامعه به نابودی کشیده نمی شود، اما زمانی که بساط امر به معروف و نهی از منکر برچیده شود و مردم در برابر نصیحت ها پر خاشگری کنند فساد حکم فرما خواهد شد، و اگر مردم اصرار بر گناه داشته باشند در اثر تکرار عمل زشت، قباح آن به تدریج از میان می رود و آنگاه گناه در جامعه یک امر معمولی و عادی می شود و حساسیت های مذهبی نسبت به نفی آن خنثی می گردد و امر به معروف و نهی از منکر به فراموشی سپرده می شود، آن جاست که این جوامع باید در انتظار بلای نابودی و هلاکت باشد. (همان، ج ۱۲، ص ۲۲۰)

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّيُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَالْكَبِيرُ السُّخْتُ
لَيْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

«چرا علما و دانشمندان، آن ها را از سخنان گناه آلود و خوردن مال حرام باز نمی دارند؟ به راستی زشت است آنچه انجام می دادند.» (سوره مائده آیه ۶۳)

پیام آیه: در این آیه خداوند می فرماید: چرا علمای اهل کتاب، مردم را از سخنان گناه آلود و کفرآمیز نهی نمی کنند. این آیه نشان می دهد که علمای دین مکلف هستند مردم را از عقاید انحرافی و سخنان کفرآمیز و گناهان نهی کنند که انحراف عقیده و سخن کفر، پل گناهان است. همان طور که گناهکاران اصلی مورد لعن و توبیخ خدا هستند، علمایی که به تکلیف امر به معروف و نهی از منکر عمل نمی کنند به گونه ای شدیدتر مورد توبیخ و مذمت خدا قرار می گیرند. رهبران فکری و دانشمندان قلم به دست که به هنگام شیوع انحراف در جامعه خاموش می نشینند و سخت مورد مذمت

خدا می‌باشند که فرموده است: «وَه! چه کار زشتی علما انجام می‌دهند (لَيْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ) از وقتی در جامعه مسلمین رسانه‌های گروهی، جراید داخلی و خارجی و اصحاب قلم به دست بر علیه قرآن و احکام، قیام و عقاید مردم را متزلزل کنند، بر دانشمندان دینی واجب فوری است که به میدان بیایند و شبهات را پاسخ بگویند و از احکام اسلام دفاع کنند و گرنه مشمول توبیخ این آیه خواهند شد. (همان، ج ۵، ص ۱۸۱)

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا

يَفْعَلُونَ

«آنها یکدیگر را از اعمال زشتی که مرتکب می‌شدند باز نمی‌داشتند. به راستی آنچه می‌کردند بد بود.» (سوره مائده آیه ۷۹)

پیام آیه: این آیه مبارکه به سوء سابقه اهل کتاب اشاره می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که آنان نهی از منکر را ترک نمودند و با کفار و مشرکان طرح دوستی ریختند و در عمل با آنها هماهنگ شدند و بدین ترتیب به کفر گراییدند.

بسیاری از اهل کتاب افتخار می‌کردند که فرزندان حضرت داود هستند و خدا در این آیه خبر می‌دهد که حضرت داود و حضرت عیسی علیه السلام از کسانی که راه کفر و طغیان را پیش گرفتند متنفر بودند، لذا فرمودند: آن گروه از بنی اسرائیل که کافر شدند به زبان دو تن از پیامبران، حضرت داود و عیسی علیه السلام رسماً لعن و نفرین

شدند (عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ) این قضیه به دو حادثه تاریخی مربوط است. حضرت داود علیه السلام ساکنان شهر ساحلی ایله را، همان اصحاب روز شنبه که از صید ماهی منع شدند اما سرپیچی کردند و به نفرین حضرت داود علیه السلام به صورت میمون مسخ گردیدند و حضرت عیسی علیه السلام درباره جمعی از پیروان خود که بعد از نزول مانده آسمانی که اتمام حجت بود باز هم راه انکار و مخالفت را پیش گرفتند، لعن و نفرین کرد. و به صورت خوک مسخ گردیدند. علت نفرین در این آیه گناه کردن و اهل تجاوز بودن آنها ذکر شده است و آنان هیچ گونه مسئولیت اجتماعی و دینی را عمل نمی کردند و فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر را که یک نظارت عمومی برای اصلاح جامعه است ترک کرده بودند با هر فتنه‌ای و با هر متجاوزی سازش می کردند. (همان، ج ۵)

ج) آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْعُرْفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ

الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

«و باید در میان شما گروهی باشند که به نیکی فرمان دهند و از کار ناشایسته باز

دارند و هم آنان رستگارانند.» (سوره آل عمران آیه ۱۰۴)

پیام آیه: دستور می دهد که باید مسلمانان تشکیلات امر به معروف و نهی از منکر

جهت نظارت بر جامعه داشته باشند تا جامعه به رستگاری برسد و در ادامه مردم را به

دوری از اختلاف و تفرقه توصیه می‌کند. در این آیه آن‌ها را به مسأله امر به معروف و نهی از منکر فرا می‌خواند که نوعی پوشش اجتماعی برای محافظت جامعه مسلمین است، هر فرد مسلمان موظف است جلوی هر نوع گناه و اختلاف را بگیرد. این آیه جهت مبارزه عمومی با فساد، به داشتن یک نهاد و تشکیلات حکومتی جهت نظارت بر اعمال جامعه توصیف می‌کند، علاوه بر مسلمانان که هر یک موظف به این عمل هستند، دولت اسلامی نیز باید چنین برنامه‌ای داشته باشد. (نسیم حیات، ج ۴، ص ۳۱)

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید که به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند البته برایشان بهتر بود. برخی از آنان مومند و بیشترشان فاسقند.» (سوره آل عمران آیه ۱۱۰)

پیام آیه: این آیه مسلمانان را به دلیل رسالت امر به معروف و نهی از منکر امتی ممتاز شمرده و اصلاح جامعه بشری را بر عهده آن‌ها نهاده است. این آیه مسلمانان را به عنوان بهترین امتی معرفی می‌کند که برای کمک به صلاح جامعه‌های انسانی بسیج گردیده‌اند، و دلیل بهترین بودن را همان امر به معروف، نهی از منکر و ایمان به خدا دانسته است. نشان می‌دهد که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان به خدا و مبارزه با مفاسد

و نظارت عمومی مسلمانان بر اعمال جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود، تا آن‌جا که حتی مؤمنان طبق دستور سوره باید یکدیگر را به رعایت حق و مقاومت برای حفظ ایمان و عمل صالح توصیه کنند، چنین جامعه‌ای هرگز از درون پوسیده نمی‌شود و تهاجم‌های فرهنگی بیرونی نیز کاری از پیش نمی‌برند، زیرا خطر وقتی جبران‌ناپذیر است که جامعه اسلامی از درون آسیب ببیند، باید دانست که جامعه با منحرف شدن علمای دین و آمران به معروف و ناهیان از منکر آسیب می‌بیند. (همان، ص ۳۵ و ۳۶)

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ

الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ

«به خدا و روز بازپسین ایمان دارند و به نیکی فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند و در کارهای خیر پیشتازند و آنان از صالحانند.» (سوره آل عمران آیه ۱۱۴)

پیام آیه: با توجه به این که بسیاری از آیات پیشین، اوصاف زشت و خلاف کاری‌های اهل کتاب مطرح شده، این آیات افراد با ایمان را استثنا کرده و از آن‌ها قدردانی می‌کند.

شان نزول: وقتی عبد... ابن سلام، عالم یهودی با یاران خود اسلام آورد، برای بزرگان یهود بسیار گران آمد آنها را در نزد یهودیان افراد پست و شرور جلوه دادند و گفتند: تنها جمعی از اشرار ما به اسلام گرویده است. اگر آن‌ها افراد درستی بودند، آیین نیاکان خود را ترک نمی‌گفتند و به ملت یهود خیانت نمی‌کردند. لذا آیات فوق برای تکریم و دفاع از آن‌ها نازل گردید. (همان، ج ۵، ص ۴۱)

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ
اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

«و مردان و زنان با ایمان یا دوستدار یکدیگرند که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و نماز به پا می دارند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند. آنان را خدا به زودی مشمول رحمت قرار می دهد و خداوند شکست ناپذیر، حکیم است.»
(سوره توبه آیه ۷۱)

پیام آیه: این آیه در نکته مقابل صفات منافقان قرار دارد که نشانه ها و صفات مؤمنان را بیان می کند که منافقان امر به منکر می کردند ولی مؤمنان امر به معروف، منافقان نهی از معروف می کردند ولی مؤمنان نهی از منکر می کردند منافقان خدا را فراموش دارند و بخیل هستند؛ ولی مؤمنان همیشه یاد خدا بوده و سخاوت دارند، منافقان مخالفت با امر خدا و رسول می کنند، ولی مؤمنان اطاعت امر خدا و رسول می کنند، از این رو قرآن می فرماید: مردان و زنان با ایمان دوست و یاور یکدیگرند و هم دیگر را به کارهای شایسته سفارش می کنند. (همان، ج ۱۰، ص ۲۱۱)

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

« کسانی که چون در زمین به آنها توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و سرانجام همه کارها با خداست. »
(سوره حج آیه ۴۱)

پیام آیه: در این آیه با اشاره به شعاع وجودی مومنان جهادگر می‌فرماید، آنها کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنها قدرت و امکانات دادیم، نماز را برپا می‌دارند، زکات می‌دهند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. فرق مؤمنان با کافران در این است، وقتی خودکامان به قدرت می‌رسند، بساط عیش و نوش و چپاول را می‌گسترانند، ولی مردان الهی اقامه عدل و داد می‌کنند و محیط را برای اجرای احکام اسلام و قرآن فراهم می‌آورند و ارتباطشان با خدا و خلق خدا بسی محکم‌تر می‌شود. (نسیم حیات، ج ۱۷، ص ۲۱۹)

يَبْنِيْ اَقِيْمِ الصَّلٰوةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوْفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَصْبِرْ عَلٰى مَا

اَصَابَكَ

«ای پسرک من! نماز را برپا دار و به معروف وادار و از منکر باز دار، و بر آسیبی که [در این راه] به تو رسد صبر کن. بی‌تردید این [صبوری] از کارهای استوار است [که اراده قوی می‌خواهد]» (سوره لقمان آیه ۱۷)

پیام آیه: در عمل به واجبات، به ویژه امر و نهی درباره احکام دین یک سری دردسرها و ناسازگاری‌ها و گاهی تهدیدهایی به دنبال دارد، مؤمن باید بر پیامدهای آن صبوری کند و از پای ننشیند و در برابر مصائب و مشکلات صبور بوده، این عزم راسخ

را می‌طلبد و از امور اساسی می‌باشد که اراده آهین می‌خواهد و باید روحیه قوی داشته باشد که بتواند این تکلیف مهم را ادا کند. (نیم حیات، ج ۲، ص ۱۶۹)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا
عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ
وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ

«همان کسانی که از این رسول، پیامبر درس ناخوانده پیروی می‌کنند که [وصف] او را نزد خویش در تورات و انجیل مکتوب می‌یابند، که آنها را به معروف و می‌دارد و از کار ناپسند منع می‌کند و پاکیزه‌ها را برایشان حلال و پلیدی‌ها را بر آنان حرام می‌کند، و تکالیف سنگین و قید و زنجیرهایی را که بر آنها بود برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده پیروی نمودند، فقط آنان رستگارانند.» (سوره اعراف آیه ۱۵۷)

پیام آیه: در این آیه خداوند متذکر می‌شود که ما صفات پیامبر اسلام را در تورات و انجیل یادآور شدیم و حجت را بر آنها تمام نمودیم و به پیامبر دستور می‌دهد که جهانی بودن رسالت خود را به مردم ابلاغ کند. این پیامبر به نیکی امر و از منکر نهی می‌کند، اگر مردم امر و نهی پیامبر را بپذیرند و خود نیز نظارت عمومی بر اعمال مردم را مد نظر قرار دهند، جامعه روی سعادت خواهد دید.

وَيَقَوْمٍ أَوَفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ
أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

«و ای قوم من! پیمانه و ترازو را به انصاف تمام دهید و از اجناس مردم نکاهید و در زمین سر به فساد بر ندارید.» (سوره هود آیه ۸۵)

پیام آیه: این آیه روی نظام اقتصادی بیمار تاکید می کند، اول از کم فروشی نهی کرده و به پرداختن حق مردم دعوت کرده است، آیه مربوطه بعضی از اشخاص را توبیخ می کند که از ناچاری مردم سوء استفاده می کنند، همچنین آیه مذکور شامل حال گران فروشان و احتکار کنندگان نیز می شود. (همان، ج ۱۲، ص ۱۷۰)

امر به معروف و نهی از منکر از نگاه نهج البلاغه

امر به معروف و نهی از منکر به شکل های مختلف قابل اجرا است و مراتب آن از جهت ثواب و ارزش با همدیگر متفاوتند. امام علی علیه السلام می فرمایند: گروهی از مردم با دست و زبان و قلب خود به مبارزه با منکرات می پردازند. این طایفه همه خصلت های نیک را در خود جمع کرده اند. گروهی تنها با زبان و قلب، و نه با دست، به مبارزه با منکر برمی خیزند که این طایفه به دو خصلت نیک تمسک جسته اند، یکی را رها ساخته اند. گروهی دیگر تنها با قلب خود به مبارزه با منکر می پردازند و مبارزه با دست و زبان را وا می نهند. این گروه تنها به یک خصلت نیکو اکتفا کرده اند، اما دسته ای هم هستند که نه با زبان و نه با قلب و نه با دست با منکرات مبارزه نمی کنند. این ها در حقیقت مردگان زنده نمایند.

و تمام کارهای نیکو، و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره‌ای بر دریای موج و پهناور است، و همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می‌کند، و نه از مقدار روزی می‌کاهد، و از همه این‌ها برتر، سخن حق در پیش روی حاکمی ستمکار است. (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴)

انجام امر به معروف و نهی از منکر با دست و زبان

به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار باش، و با دست و زبان بدی‌ها را انکار کن و بکوش تا از بدکاران دور باشی، و در راه خدا آن‌گونه که شایسته است تلاش کن و هرگز سرزنش ملامت گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد، برای حق در مشکلات و سختی‌ها شنا کن، شناخت خود را در دین به کمال رسان، خود را برای استقامت در برابر مشکلات عادت ده، که شکیبایی در راه حق عادت پیسنیده است، در تمام کارها خود را به خدا واگذار، که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده‌ای، در دعا با اخلاص، پروردگارت را بخوان، که بخشش و محروم کردن به دست اوست، و فراوان از خدا درخواست خبر و نیکی داشته باش. وصیت مرا به درستی دریاب، و به سادگی از آن نگذر، زیرا بهترین سخن آن است که سودمند باشد، بدان علمی که سودمند نباشد فایده‌ای نخواهد داشت، و دانشی که سزاوار یادگیری نیست سودی ندارد. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

خطر رها کردن امر به معروف و نهی از منکر

شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم به دنیا روی نیاورید، گرچه به سراغ شما آید، و بر آنچه از دنیا از دست می‌دهید اندوهناک مباشید، حق را بگویید، و برای پاداش الهی عمل کنید. دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید. شما را، تمام فرزندان و خاندانم را و

کسانی را که این وصیت به آنها می‌رسد، به ترس از خدا، نظم در امور زندگی و ایجاد صلح و آشتی در میان‌تان سفارش می‌کنم، زیرا من از جَد شما پیامبر (صلی ا... علیه و آله و سلم) شنیدم که می‌گفتند: (اصلاح دادن بین مردم از نماز و روزه یکسان برتر است.) خدا را! خدا را! درباره یتیمان، نکند آنان گاهی سیر و گاه گرسنه بمانند، و حقوقشان ضایع گردد. خدا را! خدا را! درباره همسایگان، حقوقشان را رعایت کنید که وصیت پیامبر صلی ا... علیه و آله و سلم شماست، همواره به خوش رفتاری با همسایگان سفارش می‌کرد تا آنجا که گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد کرد. خدا را! خدا را! درباره قرآن، مبادا دیگران در عمل کردن به دستوراتش از شما پیشی گیرند. خدا را! خدا را! درباره نماز، همانا که ستون دین شماست. خدا را! خدا را! درباره خانه خدا، تا هستید آن را خالی نگذارید، زیرا اگر کعبه خالی شود مهلت داده نمی‌شوید. خدا را! خدا را! درباره جهاد با اموال، جانها و زبانهای خویش در راه خدا. بر شما باد به پیوستن با یکدیگر، بخشش همدیگر، مبادا از هم روی گردانید و پیوند دوستی را از بین ببرید، امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید که بدان شما بر شما مسلط می‌گردند، آنگاه هر چه خدا را بخوانید جواب ندهد. (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

اخلاق کارگزاران حکومتی در خصوص نهی از منکر

از هر کار پنهانی که در آشکار شدنش شرم داری پرهیز کن، از هر کاری که از کننده آن پرسش کنند نپذیرد یا عذرخواهی کند دوری کن، آبروی خود را آماج تیر گفتار دیگران قرار نده، و هر چه شنیدی بازگو مکن، که نشانه دروغگویی است و هر

خبری را دروغ مپندار، که نشانه نادانی است. خشم را فرو نشان، و به هنگام قدرت ببخش، به هنگام خشم فروتن باش، در حکومت مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی، نعمت هایی که خدا به تو بخشیده نیکو دار، و نعمت هایی که در اختیار داری تباه مکن و چنان باش که خدا آثار نعمت های خود را در تو آشکارا بنگرد. (نهج البلاغه، نامه ۶۹)

امر به معروف و نهی از منکر در رعایت حلال و حرام

در نامه ای به عثمان بن حنیف، کارگزار خود را در بصره، می فرمایند: ای پسر حنیف! به من خبر رسیده که مردی از جوانان بصره تو را به ولیمه ای دعوت کرده و تو به آن شتافته ای ... پس، بنگر که بر سر این سفره بر چه غذایی دندان می نهی، آن چه را که حلال و حرامش بر تو آشکار نیست، از دهان بیرون افکن و آن چه را به پاکی راه های فراهم آوردنش یقین داری بخور. (نهج البلاغه، نامه ۴۵)

پرهیز از غرور و خودپسندی

پرهیز که در بزرگی خود را همانند خداوند پنداری، در شکوه خداوندی همانند او دانی، زیرا خداوند هر سرکشی را خوار می سازد، هر خودپسندی را بی ارزش می کند، با خدا با مردم، با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن که اگر چنین نکنی ستم روا داشتی، کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا بجای بندگانش دشمن او خواهد بود، و آن را که خدا دشمن شود، دلیل

او را ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی کند، و کبفر او را نزدیک نمی سازد، که خدا دعای ستمدیدگان را می شنود و در کمین ستمکاران است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

ضرورت رازداری در نهی از منکر

از رعیت، آنان که عیب جو ترند از خود دور کن، زیرا مردم عیبی دارند که والی در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه که هویدا است بپوشانی که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می باشد، پس چندان که می توانی زشتی ها را بپوشان، تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بپوشاند، گره هر کینه ای را در مردم بگشای و رشته هر نوع دشمنی را قطع کن و از آنچه که در نظر روشن نیست کناره گیر، در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرزدنده ظاهر می شود اما خیانتکار است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

جایگاه صحیح مشورت در امر به معروف

بخیل را در مشورت کردن، دخالت نده که تو را از نیکوکاری باز می دارد و از تنگدستی می ترساند، ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می کند. حریص را در مشورت کردن دخالت نده، که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می دهد. همانا بخل، ترس و حرص، غرایز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

ارزش‌های اخلاقی امر به معروف و نهی از منکر

گویا می‌نگرم، همه از قبرها خارج شده به سوی منزلگاههای آخرین در حرکتند، هر خانه‌ای در بهشت به شخصی تعلق دارد که نه دیگری را می‌پذیرند و نه از آنجا به جای دیگری انتقال می‌یابند. همانا (امر به معروف و نهی از منکر) دو صفت از اوصاف پروردگارند که نه اجل را نزدیک می‌کند و نه روزی را کاهش می‌دهد. بر شما باد عمل کردن به قرآن که ریسمان محکم الهی و نور آشکار و درمانی سودمند است که تشنگی را فرو نشاند، نگهدارنده کسی است که به آن تمسک جوید و نجات‌دهنده آن کس است که به آن چنگ آویزد، کجی ندارد تا راست شود، گرایش به باطل ندارد تا از آن باز گردانده شود، تکرار و شنیدن پیاپی آیات کهنه‌اش نمی‌سازد و گوش از شنیدن آن خسته نمی‌شود. کسی که با قرآن سخن بگوید راست گفته و هر کس بدان عمل کند پیشناز است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶)

عامل بودن به امر به معروف و نهی از منکر

کجایند خویان و صالحان شما؟ کجایند آزاد مردان و سخاوتمندان شما؟ کجایند پرهیزگاران در کسب و کار؟ کجایند پاکیزگان در راه و رسم مسلمانی؟ آیا جز این است که همگی رخت بستند و رفتند؟ و از این جهان پست و گذران و تیره‌کننده عیش و شادمانی گذشتند؟ مگر نه این است که شما وارث آنها بر جای آنان تکیه زدید و در میان چیزهایی بی‌ارزش قرار دارید که لبهای انسان به نکوهش آن می‌جنبد تا قدر آنها را کوچک شمرده و برای همیشه یادشان فراموش گردد. پس در این نگرانی‌ها باید گفت:

(اَنَا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ راجعون). فساد آشکار شد، نه کسی باقیمانده که کار زشت را دگرگون کند و یا از نافرمانی و معصیت باز دارد، شما با چنین وضعی می‌خواهید در خانه قدس الهی و جوار رحمت پروردگاری قرار گیرید و عزیزترین دوستانش باشید؟ هرگز! خدا را نسبت به بهشت جاویدانش نمی‌توان فریفت، جز با عبادت و رضایت او را نمی‌توان به دست آورد، نفرین بر آنان که امر به معروف می‌کنند و خود ترک می‌نمایند و نهی از منکر دارند و خود مرتکب آن می‌شوند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹)

نهی از کمک به نااهل

برای کسانی که بی جا به افراد نامستحق و نااهل نیکی می‌کنند، از این نیکی بهره ای نباشد، مگر ستایش فرومایگان، مدح نابکاران و سخن نادانان که تا وقتی به آن‌ها احسان و نیکی کند گویند: چه دست بخشنده ای دارد! حال آن که در جایی که به خدا مربوط می‌شود و در راه او باید کمک کند، بخل می‌ورزد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴)

توجه دادن مردم به اهل بیت (علیه السلام) در مقابل منکرات

ای مردم! چراغ دل را از نور گفتار گوینده با عمل روشن سازید، ظرف‌های جان را از آب زلال چشمه‌هایی که از آلودگی‌ها پاک است پر نمایید، ای بندگان خدا! به نادانی‌های خود تکیه نکنید، تسلیم هوای نفس خویش نباشید که چنین کسی بر لبه پرتگاه قرار دارد، بار سنگین هلاکت و فساد را بر دوش می‌کشد، از جایی به جای دیگر می‌برد، تا آنچه را که ناچسب است بچسباند، و آنچه را که دور می‌نماید نزدیک جلوه دهد. خدا را، خدا را، مبادا شکایت نزد کسی برید که نمی‌تواند آن را برطرف سازد و

توان گره گشایی از کارتان ندارد، همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید و آن کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، تلاش در خیرخواهی، زنده نگهداشتن سنت پیامبر (صلی ا... علیه و آله و سلم)، جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان، رساندن سهم‌های بیت‌العمال به طبقات مردم است. پس در فراگیری علم و دانش پیش از آنکه درختش بخشکد تلاش کنید و پیش از آن که به خود مشغول گردید از معدن علوم اهل بیت (علیه السلام) دانش استخراج کنید. مردم را از حرام و منکرات بازدارید و خود هم مرتکب نشوید، زیرا دستور داده شدید که ابتدا خود محرمات را ترک و سپس مردم را بازدارید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵)

علت وجوب نهی از منکر

فساد ظاهر شد، نه کسی باقی مانده که کار زشت را دگرگون کند و نه کسی که از نافرمانی و معصیت باز دارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹)

بزرگ‌ترین گناهان

(در نهی از غیبت کردن از مردم می‌فرمایند:) افراد پاکدامن و برخوردار از نعمت پرهیزگاری باید و به جاست که با گنه‌ورزان و معصیت‌کاران مهربان و دلسوز باشند و سپاسگزاری (به خاطر نعمت پاکدامنی و پرهیزگاری) بر ایشان چیره باشد و مانع غیبت آن‌ها از گنه‌کاران شود، حال چه رسد به عیب جوئی که از برادر خویش عیب جوئی می‌کند و او را به گناهش سرزنش می‌نماید؟ مگر به یاد نمی‌آورد آن موقعی را که خدا گناه او را پوشاند، گناهی که بزرگ‌تر از گناه آن برادری است که او را بدان

سرزنش می کند! چگونه او را به خاطر گناهی نکوهش می کند که خودش چونان گناهی را مرتکب شده است؟ و اگر عین آن گناه را نکرده باشد، بی گمان با گناهی بزرگ تر از آن خدا را نافرمانی کرده است. به خدا سوگند که اگر با گناه بزرگی خدا را نافرمانی نکرده باشد و در گناه کوچکی او را نافرمانی کرده باشد، بی گمان همین گستاخی او در عیگویی از مردم، بزرگ ترین گناه است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۰)

امربه معروف و نهی از منکر از منظر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با یارانشان به مبارزه با مخالفان پرداختند تا آنان را به سرمنز نجات کشانند، و پیش از آنکه مرگشان فرارسد آنان را به رستگاری رسانند، با خستگان مدارا کرد، شکسته حالان را زیر بال گرفتند تا همه را به راه راست هدایت کنند، جز آنان که راه گمراهی پیمودند و در آنها خیری نبود همه را نجات دادند، در جایگاه مناسب رستگاری، استقرارشان بخشید، تا آن که آسیاب زندگی آنان به چرخش درآمد، و نیزه شان تیز شد. به خدا سوگند! من در دنباله آن سپاه بودم، تا باطل شکست خورد و عقب نشست، و همه رهبری اسلام را فرمانبردار شدند، در این راه هرگز ناتوان نشدم، نترسیدم، خیانت نکردم و سستی در من راه نیافت. به خدا سوگند! درون باطل را می شکافم تا حق را از پهلویش بیرون کشم. (نهج البلاغه، خطبه

امربه معروف و نهی از منکر کوفیان

مردم کوفه! چرا شما را پیکرهای بی روح و روح های بدون جسد می نگریم؟ چرا شما را عبادت کنندگانی بدون صلاحیت، بازرگانانی بدون سود و تجارت، بیدارانی خفته، حاضرانی غایب از صحنه، بینندگان ناپیما، شنوندگانی کر و سخن گویانی لال مشاهده می کنم؟ پرچم گمراهی بر پایه های خود برافراشته شده و طرفداران آن فراوان گشته شما را با پیمان خود می سنجند و سرکوب می کنند، پرچمداران شان (معاویه)، از ملت اسلام خارج و بر راه گمراهی ایستاده است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸)

هشدار و توجه به امر به معروف و نهی از منکر

با توجه به این همه خطرات، روش های گمراه کننده شما را به کجا می کشانند؟ تاریکی ها و ظلمت ها، تا کی شما را متحیر می سازد؟ دروغ پردازی ها تا چه زمانی شما را می فریبند؟ از کجا دشمن در شما نفوذ کرده به این جا آورده و به کجا باز می گردانند؟ آگاه باشید! که هر سرآمدی را پرونده ای و هر غیبی را بازگشت دوباره ای است. مردم! به سخن عالم خداشناس خود گوش فرا دهید، دل های خود را در پیشگاه او حاضر کنید و با فریادهای او بیدار شوید! رهبر جامعه باید با مردم به راستی سخن گوید و پراکنندگی مردم را به وحدت، تبدیل و اندیشه خود را برای پذیرفتن حق، آماده گرداند. پیشوای شما چنان واقعیت ها را برای شما شکافت، چونان شکافتی مهره های ظریف و حقیقت را از باطل چون شیر درختی که از بدنه آن خارج شود، بیرون کشید. (نهج البلاغه، خطبه

محجوریت امر به معروف

همانا پس از من روزگاری بر شما فرا خواهد رسید که چیزی پنهان‌تر از حق، آشکارتر از باطل و فراوان‌تر از دروغ به خدا و پیامبرش نباشد و نزد مردم آن زمان، کالایی زیانمندتر از قرآن نیست، اگر آن را درست بخوانند و تفسیر کنند، متاعی پرسودتر از قرآن یافت نمی‌شود؛ آنگاه که آن را تحریف کنند و معانی دلخواه خود را رواج دهند. در شهرها چیزی ناشناخته‌تر از معروف و شناخته‌تر از منکر نیست، حاملان قرآن را واگذاشته و حافظان قرآن، آن را فراموش می‌کنند؛ پس در آن روز قرآن و پیروانش از میان مردم رانده و مهجور می‌گردند، و هر دو غریبانه در یک راه ناشناخته سرگردانند و پناهگاهی میان مردم ندارند، پس قرآن و پیروانش در میان مردمند. اما گویا حضور ندارند، با مردمند ولی از آنها بریده‌اند، زیرا گمراهی و هدایت هرگز هماهنگ نشود، گرچه کنار یکدیگر قرار گیرند. مردم در آن روز، در جدایی و تفرقه هم داستان، و در اتحاد و یگانگی، پراکنده‌اند، گویی آنان پیشوای قرآن بوده و قرآن پیشوای آنان نیست، پس از قرآن جز نامی نزدشان باقی نماند و آنان جز خطی از قرآن شناسند و از این پیش چه کیفرها که بر نیکوکاران روا نداشتند و سخن راست آنان را بر خدا دروغ پنداشتند کار نیکشان را پاداش بد دادند. همانا آنان که پیش از شما زندگی می‌کردند، به خاطر آرزوهای دراز و پنهان بودن زمان اجلها، نابود گردیدند، تا ناگهان مرگ وعده داده‌شده بر سرشان فرود آمد، مرگی که عذرهای پذیرد و درهای باز توبه را ببندد و حوادث سخت و مجازاتهای پس از مرگ را به همراه آورد. (نهج البلاغه،

ویژگی های امر به معروف ونهی از منکر از نگاه قرآن

همانا خداوند بزرگ کتابی هدایت گر فرستاد و نیکی و بدی خیر و شر را آشکارا در آن بیان فرمود. پس راه نیکی در پیش گیرید که هدایت شوید و از شر و بدی پرهیز کنید تا در راه راست قرار گیرید. واجبات! واجبات! در انجام واجبات کوتاهی نکنید تا شما را به بهشت رساند، همانا خداوند چیزهایی را حرام کرده که ناشناخته نیست و چیزهایی را حلال کرده که از عیب خالی است، در این میان حرمت مسلمانان را بر هر حرمتی برتری بخشید و حفظ حقوق مسلمانان را به وسیله اخلاص و توحید استوار کنید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷)

تکوهش غافلان

ای بی خبرانی که آنی مورد غفلت نیستید، و ای ترک کنندگان فرامین الهی که از تمامی کارهایتان بازخواست می شوید، شما را چه شده است که از خدای خود روی گردان و به غیر او گرایش دارید؟ چونان چارپایانی مانید که چوپان آنها را در بیابانی وباخیز و آبهای بیماری زا رها کرده است. گوسفندان پروار را می مانید که برای کارد قصاب آماده اند؛ ولی خودشان نمی دانند! چه آن که هرگاه به گوسفندان با مقداری علف نیکی کنند یک روز خود را یک عمر پندارند، و زندگی را در سیر شدن شکم ها می نگرند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵)

صفات یاد کنندگان خدا

همانا! یاد خدا را مردمی است که آن را بجای دنیا برگزیدند، که هیچ تجارتی با خرید و فروش، آنها را از یاد خدا باز نمی دارد، با یاد خدا روزگار می گذرانند و غافلان را با هشدارهای خود، از کیفرهای الهی می ترسانند. به عدالت فرمان می دهند و خود عدالت گسترند، از بدیها نهی می کنند و خود از آنها پرهیز دارند. با اینکه در دنیا زندگی می کنند گویا آن را رها کرده به آخرت پیوسته اند، سرای دیگر را مشاهده کرده، گویا از مسائل پنهان برزخیان و مدت طولانی اقامتشان آگاهی دارند، گویا قیامت وعده های خود را برای آنان تحقق بخشیده است، آنان پرده ها را برای مردم دنیا برداشته اند، می بینند آنچه را که مردم نمی نگرند، و می شنوند آنچه را که مردم نمی شنوند، اگر اهل ذکر را در اندیشه خود آوری، مقامات ستوده آنان و مجالس آشکارشان را بنگری، می بینی که آنان نامه های اعمال خود را گشوده و برای حسابرسی آماده اند که همه را جبران کردند. اعمال کوچک و بزرگی که به آنان فرمان داده شده و کوتاهی کردند، یا اعمالی که از آنان نهی شده و مرتکب گردیدند، بار سنگین گناهان خویش را بر دوش نهاده و در برداشتن آن ناتوان شدند، گریه در گلویشان شکسته و با ناله و فریاد می گریند و با یکدیگر گفتگو دارند، در پیشگاه پروردگار خویش به پشیمانی اعتراف دارند. آنها نشانه های هدایت و چراغهای روشنگر تاریکیها می باشند، فرشتگان آنان را در میان گرفته و آرامش بر آنها می بارند، درهای آسمان برویشان گشوده و مقام ارزشمندی برای آنان آماده کرده اند، مقامی که خداوند با نظر رحمت به آن می نگرد و از تلاش آنها راضی و منزلت آنها را می ستاید، دست به دعا برمی دارند و آمرزش الهی می طلبند، در

گرو نیازمندی فضل خدا و اسیران بزرگی اویند، غم و اندوه طولانی دل‌هایشان را مجروح و گریه‌های پیایی چشم‌هایشان را آزرده است، دست آنان به طرف تمام درهای امیدواری خدا دراز است، از کسی درخواست می‌کنند که بخشش او را کاستی و درخواست کنندگان او را نومیدی نیست. پس اکنون به خاطر خودت، حساب خویش را بررسی کن؛ زیرا دیگران حسابرسی غیر از تو دارند. (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲)

مراحل شکست در مبارزه

(از ابی جحیفه نقل شد، گفت از امیر مؤمنان شنیدم که فرمودند) اولین مرحله از جهاد که در آن باز می‌مانید، جهاد با دستانتان، سپس جهاد با زبان و آنگاه جهاد با قلب‌هایتان می‌باشد، پس کسی که با قلب، معروفی را ستایش نکند، و منکری را انکار نکند قلبش واژگون گشته، بالای آن پایین و پایین قلب او بالا قرار خواهد گرفت. (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۵)

مالیدن بینی کافر به خاک

هر که نهی از منکر کند، بینی کافران را به خاک مالیده است. (نهج البلاغه، حکمت

(۳۱)

شناخت پایه‌های ایمان

ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد:

صبر نیز بر چهار پایه قرار دارد. شوق، هراس، زهد و انتظار. آن کس که اشتیاق بهشت دارد، شهوت‌هایش کاستی گیرد و آن کس که از آتش جهنم می‌ترسد، از حرام دوری می‌گزیند و آن کس که در دنیا زهد می‌ورزد، مصیبت‌ها را ساده پندارد و آن کس که مرگ را انتظار می‌کشد در نیکی‌ها شتاب می‌کند.

یقین نیز بر چهار پایه استوار است: بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه واقعیت‌ها، پند گرفتن از حوادث روزگار و پیمودن راه درست پیشینیان.

پس آن کس که هوشمندانه به واقعیت‌ها نگرست، حکمت را آشکارا بیند و آن که حکمت را آشکارا دید، عبرت آموزی را شناسد و آن که عبرت آموزی شناخت گویا چنان است که با گذشتگان می‌زیسته است.

عدل نیز بر چهار پایه برقرار است: فکری ژرف اندیش، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده، نیکو داوری کردن و استوار بودن در شکیبایی. پس کسی که درست اندیشید به ژرفای دانش رسید و آن کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید و کسی که شکیا شد در کارش زیاده روی نکرده، با نیکنامی در میان مردم زندگی خواهد کرد.

جهاد نیز بر چهار پایه استوار است: امر به معروف، نهی از منکر، راستگویی در هر حال، و دشمنی با فاسقان. پس هر کس به معروف امر کرد، پشتوانه نیرومند مؤمنان است. و آن کس که از زشتی‌ها نهی کرد، بینی منافقان را به خاک مالید. آن کس که در میدان نبرد صادقانه پایداری کند حقّی را که بر گردن او بوده ادا کرده است و کسی

که با فاسقان دشمنی کند و برای خدا خشم گیرد، خدا هم برای او خشم آورد، و روز قیامت او را خشنود سازد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۱)

بالاترین مرتبه نهی از منکر

ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد، و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن- را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است. و هر کس با زبان آن را انکار کند پاداش داده خواهد شد و از اولی برتر است. و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او راه رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده. (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳)

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

گروهی منکر را با دست، زبان و قلب انکار می کنند، آنان تمامی خصلت های نیکو را در خود گرد آورده اند. گروهی دیگر، منکر را با زبان و قلب انکار کرده، اما دست به کاری نمی برند، پس چنین کسی دو خصلت از خصلت های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده است. بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده، و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند، پس دو خصلت را که شریف تر است تباه ساخته اند و یک خصلت را به دست آورده اند. بعضی دیگر منکر را با زبان، قلب و دست رها ساخته است که چنین کسی از آنان، مرده ای میان زندگان است و تمام کارهای نیکو جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره ای بر دریای موج و پهناور است و همانا امر به

معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می کند و نه از مقدار روزی می کاهد، و از همه اینها برتر، سخن حق در پیش روی حاکمی شتمکار است. (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴)

فلسفه احکام الهی و امر به معروف

درود خدا بر او، فرمود: خدا «ایمان» را برای پاکسازی دل از شرک و «نماز» را برای پاک بودن از کبر و خودپسندی، «زکات» را عامل فزونی روزی، «روزه» را برای آزمودن اخلاص بندگان، «حج» را برای نزدیکی و همبستگی مسلمانان، و «جهاد» را برای عزت اسلام، «امر به معروف» را برای اصلاح توده های ناآگاه، «نهی از منکر» را برای بازداشتن بی خردان از زشتی ها، «صله رحم» را برای فراوانی خویشاوندان، «قصاص» را برای پاسداری از خون ها، اجرای «حدود» را برای بزرگداشت محرمات الهی، ترک «می گساری» را برای سلامت عقل، دوری از «دزدی» را برای تحقق عفت، ترک «زنا» را برای سلامت نسل آدمی، ترک «دروغ» را برای حرمت نگهداشتن راستی، «سلام» کردن را برای امنیت از ترس ها، «امامت» را برای سازمان یافتن امت و «فرمانبرداری از امام» را برای بزرگداشت مقام رهبری، واجب کرد. (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲)

نتیجه گیری

از مجموعه آیات قرآن کریم و کلام حضرت علی (علیه السلام) نتیجه می گیریم که امر به معروف و نهی از منکر ظنین وحی و صدای خدای عزوجل است که در گوش عالم هستی می پیچد، آوای انبیاست که زمین و زمان را به عبادت، عدالت و وحدت فرا می خواند، سرود روح بخش فرشتگان، سیره صالحان، پشتوانه عملی و اجرای احکام الهی، ضامن امنیت، استقلال و آزادی، نمایش بلوغ و بالندگی امت اسلامی است.

رسالت امر به معروف و مبارزه با منکر مسئولیت عمومی، وظیفه جهانی مسلمین و اساس برتری عظمت امت اسلامی است که اگر به خوبی عمل شود خیزش عظیمی در جهت احیاء و زنده شدن ارزش های اسلامی و انسانی برداشته خواهد شد. بالندگی و جاودانگی اسلام در پرتو این دو فریضه بزرگ تحقق می یابد و هیچ کس حق ندارد این دو فریضه را وظیفه خاص و ویژه خود دانسته و دیگران را از ادای تکلیف الهی محروم و معذور بداند.

هر کس که رو به کعبه و قبله حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می ایستد و از عقل و آزادی برخوردار است نسبت به اقامه فریضه امر به معروف و نهی از منکر اقدام نماید. تا به عذاب الهی گرفتار نشود، چون اسلام آخرین و کامل ترین مکتبی است که تمامی برنامه های آن، مطابق با فطرت و مصلحت انسان ها است و با پیاده کردن آن، جامعه تأمین شده و رسیدن به کمال و رستگاری هموار خواهد شد. باید امر به معروف و نهی از منکر بر پایه دلسوزی، محبت، نصیحت، موعظه، زبان نرم سعه صدر به شکل زیبا و صحیح باشد و نیاز به دو عمل مهم دارد.

اول اینکه به جریان انداختن این کار سخت و اثربخش فریضه الهی.
دوم پاک نمودن پیشینه‌های ذهنی که به طور غلط در ذهن‌ها به وجود آمده است.
بنابراین زمانی می‌توان در مأموریت مهم انسانی و انسان‌ساز امر به معروف و نهی از منکر موفق شد که به سلاح ایمان و اخلاص قوی مسلح باشد، ایمان، قدرت و توانبخشی ایجاد می‌کند و اخلاص، سرعت عمل، شکست‌ناپذیری و بُرندگی می‌آورد. چون اجرایی کردن این امر مهم کار ساده‌ای نیست، بلکه باید با تلاش مضاعف و اثربخش بتوان ذهن‌های زنگار گرفته از مسایل غلط غربی و عافیت طلبی را بسوی انوار الهی معطوف ساخت تا بخش عمده از مشکلات جامعه حل و مرتفع گردد.

کتابنامه:

- (۱) بهرام پور ابوالفضل. قرآن کریم ۱۳۸۳، هجرت.
- (۲) دشتی، محمد. نهج البلاغه ۱۳۸۱، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (ع).
- (۳) فلاح زاده، محمد حسین، امر به معروف ونهی از منکر، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۷۱.
- (۴) فلاح زاده، محمد حسین، احکام دین مطابق با فتوای مراجع بزرگ، نشر مشعر، چاپ نگین، زمستان ۱۳۸۲.
- (۵) عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، چاپ هشتم، سال ۱۳۸۱
- (۶) بهرام پور، ابوالفضل، نسیم حیات، مؤسسه انتشارات هجرت، جلد ۲-۳-۴-۵-۷-۹-۱۲-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸.
- (۷) قریشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، ج ۷، چاپ ۱۳۵۴.